

مجموعه‌ای از نصوص مبارکه در باره

صداقت و امانت

حاوی اصل فارسی و عربی نصوصی که در مجموعه انگلیسی

TRUSTWORTHINESS تحت عنوان

در ژانویه ۱۹۸۷ از طرف بیت العدل اعظم نشر گشته‌است

تهیه و تنظیم : دائره مطالعه نصوص و الواح مرکز جهانی بهائی

می ۱۹۸۷

Copyright © 1987

by the
National Spiritual Assembly of
the Bahá'ís of Australia Incorporated
P.O. Box 285, Mona Vale, N.S.W. 2103

First printing B.E. 144 (1987)

ISBN 0 909991 38 3



Lynn Print. Madras

الف - از آثار حضرت بهاء الله

۱- یا قوم امروز احسن طراز عندالله امانت است فضل و عطاء از برای نفسی که باین زینت کبری مزین گشته . (۱)

(" مجموعه الواح " . س ۲۶۲)

۲- ایمان را به مشابه درخت مشاهده کن اشعار و اوراق و اغصان و افنان او امانت و سداقت و درستکاری و پرده‌بازی بوده و هست . (*)

۳- اعمال و افعال حق مشهود و ظاهر چنانچه در جمیع کتب سماویه نازل و مسطور است مثل امانت و راستی و پاکی قلب در ذکر حق و پرده‌بازی و رشای بمالقضی الله له و القناعة بما قدرله والصبر فی البلیا بیل الشکر فیها و التوکل علیه فی کُلِّ الاحوال این امور از اعظم اعمال و اسبق آن عند حق مذکور و دیگر مابقی احکام فروعیه در مَثَل آنچه مذکور شد بوده و خواهد بود.

(" منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله " . ش ۱۳۴ . ص ۱۸۶)

۴- قل یا قوم زینتوا لسانکم بالصدق و نفوسکم بالامانة ایاکم یا قوم لا تخانوا فی شیئی و کونوا اماناالله بین بریتته و کونوا من المحسنین ان الذین یرتکبون البغی و الفحشاء اولئک شل سعیمم و کانوا من الخاسرین .

(" منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله " . ش ۱۲۶ . ص ۱۹۰)

۵- حق ظاهر شده که ناس را به صدق و صفا و دیانت و امانت و تسلیم و رضا و رفق و مدارا و حکمت و تقی دعوت نماید و به اثواب اخلاق مرضیه و اعمال مقدسه کل را مزین فرماید.

(" منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله " . ش ۱۲۷ . ص ۱۹۱)

۱- منابع چاپی نصوص مشدرجه در این مجموعه ارائه گشته اما اگر نصی از منابع خطی نقل شده با علامت (*) مشخص گردیده‌است . مشخصات کامل کتب چاپی را در قسمت کتابشناسی ملاحظه فرمائید.

۶- قل زینوا نفوسکم بالصدق و الادب و لا تحرموا انفسکم من خلع الحلم والعدل لیهب من شلر قلوبکم علی المسکنتات روایح قدس محبوبیا قل ایاکم یاملوا الیهما لانکوشوا بمثل الذین یتقولون مالا یتعلون فی انفسهم ان اچهدوا بان یتکلم منکم علی الارض آثارالله و اوامره .

(" منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله " . ش ۱۲۹ . ص ۱۹۵)

۷- از حق جل جلاله میطلبیم هر یک را به طراز اخلاقیکه سبب و علت انتشار عدل و انصافست ما بین احزاب موبد فرماید فی الحقیقه در رتبه اولی و مقام اول مقصود از خلق ظهور امانت و دیانت و صدق و صفا بوده و هست چه که این صفات سبب راحت و اطمینان و فراغت است طوبی از برای نفوسیکه بآن فائز گشته اند . (*)

۸- الہی الہی اسئلك من بہائك بابہاء و كل بہائك بہی الہم انی اسئلك ببہائك كلہ ان تزین اولیائك بطرازالعدل و نورہم یتور الامانة انك انت المقتدر علی ماتشاء و فی قبضتك زمام الامور من الغیب و الشہود . (*)

۹- قل یا حزب الله زینوا میاكلکم بطراز الامانة و الدیانة شم ائمرؤا ربکم بجنود الاعمال و الاخلاق .

(" مجموعه الواح جمال اقدس ابھی " . ص ۷۰)

۱۰- انا لعدنا يوماً من الايام جزیرتنا الخضراء و لما وردنا رأینا ائهارها جاریة و اشجارها ملتمة و كانت الشمس تلعب فی خلال الاشجار توجھنا الی الیسین رأینا مالا یتحرك القلم علی ذکره و ذکر ما شهدت عین مولی الوری فی ذاك المقام اللطف الاشرف المبارک الاعلی شم اقبلنا الی الیسار شاهدنا طلعة من طلعات الفردوس الاعلی قائمة علی عمود من النور و نادت باغلی النداء یا ملا الارض والسماء انظروا جمالی و نوری و ظهوری و اشرافی تالله الحق انا الامانة و ظهورها و حسنها و اجر لمن تمسک بها و عرف شأنها و مقامها و تشبث بذیلها انا الزینة الکبری لاهل البهائة و طراز العز لمن فی ملکوت الانشاء و انا السبب الاعظم لشررة العالم و افق الاطمینان لاهل الامکان كذلك انزلنا لك ما یقرب العباد الی مالک الایجاد .

(" مجموعه الواح جمال اقدس ابھی " . ص ۷۰ - ۷۱)

۱۱- طراز چهارم فی الامانة انھا باب الاطمینان لمن فی الامکان و آية العزة من لدى الرحمن من فاز بها فاز بکنوز الشروة والغنا امانت باب اعظم است از برای راحت و اطمینان خلق قوام هر امری از امور

به او منوط بوده و هست عوالم عزت و رفعت و شروت به نور آن روشن و متیر.

(" مجموعه الواح جمال اقدس ابهی " . ص ۱۹)

۱۲- اگر امروز نفسی به طراز امانت فائز شود عندالله احب است از عمل نفسی که پیاده به شطر اقدس توجه نماید و به لقای حضرت معبود در مقام محمود فائز گردد امانت از برای مدینه انسانیّت به مشابه حصن است و از برای هیكل انسانی به منزله عین اگر نفسی از او محروم ماند در ساحت عرش ناپیسا مذکور و مسطور است. (*)

۱۳- نلكر اولیائی طراً و نوصیهم بالامانة التی كانت ودیعةالله فیما سواه و الدیانة التی جعلها الله كهفاً للمقربین من عباده و حصناً للموحدین من ارلائه و بما ترتفع به مقاماتهم بین الامم . (*)

۱۴- ۱۵- یا اولیاءالله فی بلاده و احبائه فی دیاره یوسمیک المظلوم بالامانة و الدیانة طوبی لمدينة فازت بانوارهما بهما یرتفع مقام الانسان و یفتح باب الاطمینان علی من فی الامکان طوبی لمن تمسک بهما و عرف شأنهما و ویل لمن انكر مقامهما.

(" لوح شیخ " . ص ۱۶ - ۱۷)

۱۶- کونوا امناءالله فی البلاد بحیث لو تمرن علی مدائن الذهب لن ترتد اعمارکم الیها كذلك ینبغی لکم یا ملاءالموحدین ان انصروا ربکم الرحمن باموالکم لیجدن منکم رواشح الحق عبادةالله بین السموات و الارضین .

(" امر و خلق " . ج ۲ . ص ۱۵۴ - ۱۵۵)

۱۷- خادم امر امروز کسی است که اگر بر مدائن ذهب و فضه مرور نماید چشم نگشاید و قلبش پاک و مقدس باشد از آنچه مشاهده میشود یعنی از زخارف و آلاء دنیا قسم به آفتاب حقیقت نفسش موثر و کلمه اش جاذب .

(" ظهور عئل الهی " . ص ۵۱ - ۵۲)

۱۸- قل یا اسمی علیک بهائی و عنایتی لازال به طراز امانت و دیانت مزین بوده این دو دو موئسد از برای تو و دو حارسند از برای تو و به اذنالله دو حافظند از برای تو . (*)

۱۹- به ذیل عفت تمسک نمائید و هم چنین به حبل دیانت و امانت صلاح عالمرا ملاحظه نمائید نه موی نفس را یا حزب‌الله شماستید رعایا عالم اغنام را از آرایش نفس و موی مقدس دارید و به طراز تقوی‌الله مزین نمائید اینست حکم محکم که از قلم قدم در این حین جاری شده لعمرالله سیف الاخلاق والاداب احد من سیوف الحديد. (*)

۲۰- از حق می طلبیم کل را تأیید فرماید بر اعمال و اخلاق و کلمه طیبه راخیه مرثیه فتح مدائن قلوب به جنود اخلاق و اعمال مقدر مجادله و محاربه و نزاع و فساد کل در کتاب آلهی نهی شده از حق بطلبید مدن و دیار خود را از اشراقات انوار آفتاب امانت و شیرِ صدق و نور عدل و انصاف محروم نخرماید امانت و دیانت دو شیرند که از افق سما لوح احکام آلهی مشرق و لایح ضویبی لمن عرف و ویل للغالین. (*)

۲۱- کل را به افصح بیان وصیت نموده و مینمائیم به امانت و دیانت و ماترتفع به مقام الانسان فی الامکان این مملوک شهادت میدهد پیراینکه عباد از برای اصلاح و اللت و اتحاد از عدم بوجود آمده‌اند فساد و نزاع لازال مردود بوده و هست کتب و صحف و زیر آلهی بشارت داده که مقصود از این ظهور اعظم اصلاح عالم و امم بوده لاغیر که شاید به قوه بیان قوه حربیه از میان برخیزد و عالم به قوه حبیه اداره شود از حق میطلبیم کل را به طراز امانت که احسن طراز عالم است مزین فرماید. (*)

۲۲- تمسک بتقوی الله و مااتزل فی الکتاب امرأ من عنده و موالحق علام الغیوب قل ان الامانة می شمس سما اوامری والصدق قمرها والاخلاق انجمها ولكن القوم اکثرهم لا یفتقون. (*)

۲۳- اولیای حق را که از صافی سبیل محبت نوشیده‌اند و به افق اعلی ناظرند سلام میرسانیم و کل را وصیت مینمائیم به امانت و دیانت و عفت ای دوستان هر نفسی باین صفات مزین است او از عباد حق محسوب و اسمش در ملا اعلی مذکور و هر نفسی محروم ماند او از اهل حق محسوب‌نه جهد نمائید که شاید به اخلاق و اوصافی مزین شوید که سبب و علت نجات ابدی گردد ا شمار سنده امانت را به احجار خیانت میازارید و اغماشش را به آلات ظلم و اعتساف از هم مریزید طراز انسان صدق و صفا بوده و خواهد بود ای دوستان زخارف دو یوم که کل شهادت پر فئای آن میدهند شما را از نعمت باقیه و مائده منزله سناشیه محروم ننمائید به حق ناظر باشید و بر او توکل نمائید و از او طلب کشید آنچه را که شایسته است لکم ان تغوضوا الامور الی الله رب العالمین در قرون اولین تفکر نمائید کجایند اهل کبر و غرور و کجایند صاحبان شرور این خزاینهم و قصورهم و معاقلمهم و عروشهم در اعصار قبل و آنچه در او وارد شده تفکر نمائید و پند گیرید این مملوک از حق میطلبید که کل را موبد فرماید بر آنچه که رضای او در اوست. (*)

۲۴- انا نحبك ثم اللين تربيهم مزيئين بطراز الامانة و الديانة و بما امروا به من الصداقة و العفة في كتاب الله رب العرش العظيم طوبى لنفس وجدت نجات البيان و سمعت ما نزل من لسان الله العليم الخبير قد اراد الله ان ينصر امره بجنود الاعمال و الاخلاق طوبى لمن عرف و فاز و وبى للغافلين .
للمشكرين. (*)

۲۵- دوستان را تكبير ميرسانيم و وصيت مينمائيم به راستى و امانت و ديانت و عفت و محبت و بما ظهر به شأن الانسان بين اهل الامكان حق جل جلاله وفا را دوست داشته طوبى از براى همگى كه باين طراز فائز شد و باين فخر اكبر مفتخر گشت. (*)

۲۶- امانت و حكمت و صدق فى الحقيقه طرازالله است ما بين عباد و اين اشواب مشيره به هر همگى موافق طوبى للعارفين طوبى للفائزين. (*)

۲۷- تمسكوا بحبل الامانة فى كل الاحوال و تشبثوا بذيل الصدق من لدن صادق امين تالله ان الامانة تستشرق من افق السموات و بها يرتفع امرالله المقتدر العزيز الحميد ان الذين وفوا الميثاق اولئك تمسكوا بها و الذين اعرضوا انهم من الغافلين. (*)

۲۸- بايد كل به قميص امانت و رداى ديانت و شعار صدق و راستى ظاهر و باطن خود را مزين نماييد تا سبب علو امر و تربيت خلق گردد.

(" اقتدارات "، ص ۱۶۷)

۲۹- اليوم اصحاب الهى ما يه احزاب عالمنه بايد كل از امانت و صدق و استقامت و اعمال و اخلاق ايشان اقتباس نمايند.

(" ظهور عدل الهى "، ص ۵۱)

۳۰- اليوم ساكتين بساط احديه و مستقرين سرر عز صدائيه اگر قوت لايموت نداشته باشند به مال يهود دست دراز نكنند تا چه رسد به غير. حق ظاهر شده كه ناس را به صدق و صفا و ديانت و امانت و تسليم و رضا و رفق و مدارا و حكمت و تقى دعوت نمايد و به اشواب اخلاق مرضيه و اعمال مقدسه كل را مزين فرمايد.

(" ظهور عدل الهى "، ص ۵۲)

۲۱- نوسیکم یا اولیائی بالامانہ و الدیانۃ لیتکھر مشکم صفات ربکم بین العباد و تقدیسہ لمن فی البلاد انہ ہوالامر القدیم. (*)

۲۲- اوسیکم یا احباً اللہ بالامانۃ الکبریٰ بین عبادی و خلقی لان بہا یرتفع امراللہ فیما سؤتہ و یتکھر تقدیس امرہ بین العالمین کوثوا امتاء اللہ فی ديارہ و مشارق الصدق فی بلادہ و طوبی لمن سمح تصح اللہ الحکیم.

(" اقتدارات " . ص ۲۲۵ - ۲۲۶)

۲۳- یا احباء الرحمن فی البلدان انّ المظلوم یتسکم بمحبوب الامکان الذی ینطق فی ملکوت البیان بان لا تخانوا فی اموال الناس کوثوا امتاء اللہ فی ديارہ و مشارق الصدق فی بلادہ و طوبی لمن سمح تصح اللہ و کان من العالمین.

(" امر و خلق " . ج ۲ . ص ۱۵۴)

۲۴- کل را بہ صنعت و اقتراف امر نمودیم و از عبادت محسوب داشتیم و لکن در اول امر باید شوب امانت را از ایادی عطا کہ مقام قبول است بیوشی چه کہ اوست اول باب ہرکت و نعمت سئلہ ان یتجعل هذه الکلمة سبحانه مثیراً لینزل علیک اطار الرحمة و النعمة و البرکة انہ ہوالفضل الکریم. (*)

۲۵- التجارة سماء الامانة شمها الصدق لمرها امانت اعزّ اشياء لدى الحق مذکور و در کتاب الہی مسطور از حق بطلب کلّ را باین مقام اعزّ اعلیٰ فائز نماید. (*)

۲۶- و اما در بارہ مطالبات کہ نوشتہ بودید این بسی معلوم و واضح است کہ ہر نفسی قادر بر ادای دین باشد و اصال نماید بہ خلاف رضای حق عمل نمودہ نفوسیکہ مدیونشد باید بہ کمال جد و جہد در ادای ان سعی نمایند امر مہرم الہی در جمیع کتب و الواح و صحف و زہر در باب امانت و دیانت و حقوق واضح و ہویداست طوبی از برای نفسیکہ زخارف فانیہ او را از طراز ہالیہ منع نشمود و حرص و اہمال او را از انوار شمس امانت محروم نساخت و لکن جمیع این امور بعد از تحقق استطاعت است لانّ الطلب ہو فرع الاستطاعہ لا یجوز الاولّ الا بعد تحقق الثانی و ربالمشائی فنظرة الی ميسره شاهد این مقال . (*)

۲۷- در اکثری از الواح عباداللہ را بہ امانت و دیانت و عدل و انصاف وصیت فرمودیم و از بنی و فحشا

شهی و ببر^۲ و تقوی امر نمودیم و لکن مازاد الغافلین الا خسارا اگر عباد به اراده حق جل جلاله عمل مینمودند حال ارض يك قطعه مزینه منوره مقدسه مشاهده میشد. (*)

۲۸- قل دعوا الیهی والضحاء و خذوا الامانة و الذیانة والصدق و الصفاء امرأ من لدی الله مالك یوم الذین ان المظلوم ما نطق عن الهوی بل بما نزل فی کتاب الله الامر القدیم بالاخلاق تطهر مقامات الانسان فی الامکان یشهد بذلك عباد مکرمون اللّین ما اعدتھم وسواس القوم عن القیام علی خدمة الله رب العرش العظیم . (*)

۲۹- ای بگم اصحاب نار باش و اهل ریا میباش کافر باش و ماکر میباش در میخانه ساکن باش و در کوچه تزویر مرو از خدا بترس و از ملا بترس سر بده و دل مده زیر سنگ قرار گیر و در سایه تحت الحنک مأوی بگیر این است آرزهای نبی قدسی و نعمات بلبل فردوسی که جسدهای فانی را جان بخشد و جسم تراپی را روان روح مسیحی دهد و نور الهی بخشد و به حرفی عالم فانی را بملک باقی کشد.

(" ادعیه حضرت محبوب " ، ص ۲۷۶-۲۷۷)

ب - از بیانات شفاهی حضرت اعلی

۴۰- يك روز فرمودند [حضرت رب اعلی] قدری غسل بخرند و از قیمتش سبزهال نمودند مبلغی که برای قیمت غسل باید پرداخته شود گران بود فرمودند " غسل خوب ممکن است از این ارزاشتر بدست بیاید من پیش از این تاجر بودم شما باید در جمیع امور و در جمیع معاملات از من پیروی کنید همسایگان خود را گول نزنید و مواظب باشید کسی شما را تفریبید این است رویه مقتدای شما " هیچکس نمیتوانست در هیچ قسمتی نسبت به حضرت باپ پر خلاف واقع رفتار کند آنحضرت هرگز راضی نمیشدند که نسبت بهیچکس اگر چه ناتوانترین افراد بشر باشد پر خلاف انصاف رفتار شود فرمودند این غسل را به ساحیش برگردانید و غسل بهتری که قیمتش ارزاشتر باشد بخرید.

(" مطالع الانوار " ، ص ۲۷۹)

ج - از آثار حضرت عبدالبهاء

۴۱- صدق و راستی اساس جمیع فضائل انسانی است اگر نفسی از آن محروم ماند از ترقی و تعالی در

کلیه عوالم الهی متنوع گردد و چون این صفت مقدس در نفسی رسوخ نماید سائر صفات و کمالات قدسیه بالطبع حاصل شود و فرد کامل گردد. (ترجمه)

(" ظهور عدل الهی " ، ص ۵۵)

۴۲- راستی و درستی و حق پرستی صفت راستانست و سمت پاکان صدق بهترین صفتی است از صفات زیرا جامع کمالاتست چه که شخص صادق محفوظ از جمیع آفات و متغیر از جمیع سیئات و صون از کل خطیئات زیرا جمیع اخلاق و اعمال مذمومه ضد صدقت و شخص صادق از جمیع آنها گریزان. (*)

۴۳- پس ای جان پاک پی صادقان گیر و پیروی راستان کن تا به صدق به تعد صدق رسی و به راستی به عزت اهدیه فائز گردی جمیع معاصی به یک طرف و کذب به یک طرف بلکه سیئات کذب افزونتر است و شرش بیشتر راست گو و کفر بگو بهتر از آنست که کلمه ایمان بر زبان رانی و دروغ گوئی این بیان بجهت نصیحت من فی العالم است شکر کن خدا را که تو سبب صدور این نصیحت به جمیع نوع انسان شدی. (*)

۴۴- ای حزب الهی به عون و عنایت جمال مبارک روحی لأحیائه الفداء باید روش و سلوکی نمائید که مانند آفتاب از سائر نفوس ممتاز شوید هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد به خلق و خوی و صدق و وفا و محبت و امانت و دیانت و مهربانی به عموم عالم انسانی مشار بالبتان گردد جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین است که بهائی است زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی این شخص از خصائص بهائیان است تا هاین مقام نیائید به عهد و پیمان الهی وفا ننموده‌اید زیرا به نصوص قاطعه از جمیع ما میثاق و شیق گرفته که به موجب وصایا و ناصح الهیه و تعالیم ربانیه رفتار نمائیم.

(" منتخباتی از مکاتیب " ، ش ۲۵ ، ص ۶۸)

۴۵- ما و احببای الهی نباید در نیئت خالصه و صدق و خیر خواهی خویش ادنی قوتور نمائیم بلکه باید در نهایت صداقت و امانت بر خلوص خویش باقی باشیم و به ادعیه خیریه پردازیم .

(" منتخباتی از مکاتیب " ، ش ۲۲۵ ، ص ۲۸۲)

۴۶- اول صفت اهل ایمان امانتست و اول صفت اهل طفیان خیانت . (*)

۴۷- اگر نفسی به جمیع اعمال خیریه قائم ولی در امانت و دیانت ذرّوشی قاصر اعمال خیریه مانند سپند گردد و آن تصور آتش جانسوز شود ولی اگر در جمیع امور قاصر لکن به امانت و دیانت قائم عاقبت نوائس اکمال شود و زخم التیام یابد و درد درمان شود مقصود آن است که امانت عندالحق اساس نبی الهی است و بنیاد جمیع فضائل و مناقب است اگر نفسی از آن محروم از جمیع شئون محروم باوجود تصور در امانت از ایمان و دیانت چه شمری و چه اشری و چه نتیجه‌شی و چه فاشده‌شی لهذا عبدالبهاء کلّ احیاً را نصیحت مینماید بلکه عجز و زاری میکند که حرمت امرالله را محافقه نمائید و عزت نفوس را محافقه کنید تا اهل بها در بین کلّ ملل مشهور و معروف به امانت و دیانت گردند و خدمتی الیوم اعظم از این نه و خلاف آن تیشه برریشه امرالله است ثعودبالله من هذا الذنب العظیم اسئل الله بان یحفظ احبائه من هذا الظلم المبین . (*)

۴۸- در خصوص معاملات احیاً با یکدیگر مرقوم نموده بودید این مسأله اهم امور است و این قضیه را باید نهایت اهتمام داد یاران الهی باید با یکدیگر در نهایت امانت و دیانت معامله نمایند و هر کس درین خصوص قصور کند از تمایح جمال مبارک و از وصایای الهی روگردان است اگر انسان در خانه خود با متعلقان و یاران در نهایت امانت و دیانت معامله ننماید با بیگانگان هرچه به امانت و راستی معامله کند بی شمر و نتیجه ماند اول باید معاملات داخلی را منتظم کرد بعد به خارج پرداخت نه اینکه گفت آشنایانرا اهتمام نباید و ایشانرا در امانت با یکدیگر چندان اهمیتی لازم نه ولی باید با بیگانگان درست رفتار کرد این اوامام است و سبب خسران و زیان طویبی لنفس اشرف بنور الامانة بین العموم و كانت آية الكمال بین الجمهور.

(" امر و خلق " ج ۰۲ ص ۱۵۹)

۴۹- چون انتقام آن داشته موکول به همت و عفت و عدالت و عصمت احیای الهیست باید به درجه‌شی بپاکی و آزادگی و فرزانه‌گی روش و سلوک نمایند که دستور العمل سائر اداره‌ها گردد و سبب عبرت و هشجاری خلق شود تادر نزد کل مسلم گردد که بهائیان شایسته و صادق پاکند و تابشک عقیقتند و لطیف با هستند و با عصمت آزادند و مؤسس حریت منفعت مجوم جویند نه نفع خویش سلام و نجات ملت طلبند نه فلاح خود. (*)

۵۰- نیت باید چنین باشد که در این تجارت بقدری عادلانه و منصفانه رفتار شود که سبب هدایت گردد تجارت را باید احیای الهی اسباب هدایت ناس نمایند یعنی در معامله حیران کنند که این چه صداقت است و این چه امانت و این چه خیرخواهی . (*)

۵۱- تأسیس هر شرکتی باید بر مبادی الهی باشد اساس امانت و دیانت و صداقت گردد تا حقوق جمیع ناس محافقه نماید. (*)

۵۲- فی الحقیقه تجارت و زراعت و صنعت مانع از خدمت حضرت احدیت نه بلکه به جهت اشبات دیانت و امانت و ظهور اخلاق رحمانیت واسطه عظماست و دلیل لائح . (*)

۵۳- شماها که خیرخواه دولتید و صادقید و مطیع حکومتید و موافق همواره به خدمت پردازید و هر یک که در دربار دولت مستخدم گردید باید پنهانیت راستی و حقیقت پرستی و عفت و پاک دامنی و تشویه و تقدیس و عدالت و انصاف سلوک و حرکت نماید و اگر چنانچه معاذالله به کسی ذره‌شی خیانت کند و یا در امور موکوله خویش تهاون و سستی نماید و یا خود مقدار دیناری پر رعیت تعدی کند و یا آنکه منفعت خصوصی خویش جوید و فوائد شخصی طلبد البته محروم از فیوضات حضرت پروردگار شود. (*)

۵۴- به مأموریتی که تعیین شده‌ی باید در نهایت امانت و صداقت و تقدیس و پاکی از هر لوثی و آزاده‌گی از منفعت پرستی روش و حرکت نمائی تا بدانند که بهائیان جوهر تقدیسند و سازج تشویه اگر منصی قبول نمایند مقصدشان خدمت به عالم انسانیت نه منفعت پرستی و مرادشان احقاق حق است نه حطوط نفس و ناسپاسی . (*)

۵۵- اما نفوسی از احباً که در اداره حکومت مستخدمند باید به نهایت صداقت و امانت و عفت و استقامت و پاکی و آزاده‌گی خدمت نمایند دامن خویش بمنافع شخصی نیالیند و به سبب دنیای فانیه خود را بدنام و محروم از درگاه کبریا نکنند . (*)

۵۶- نفوسیکه به خدمات مخصوصند و در امور اداره منصوب باید چاکران صادق باشند و پندگان موافق یعنی به خصائل حمیده و فضائل پسندیده متصف گردند و به مقرری خویش قناعت کنند و به صداقت رفتار نمایند از غرض بیزار شوند و از طمع در کنار گردند زیرا عفت و عصمت و استقامت از اعظم وسائل حصول موهبت و معموریت مملکت و راحت رعیت. و شرف و منقبت انسان به غنا و ثروت نیست علی الخموس ثروت غیر مشروعه از اموال منهوبه و ارتکاب و ارتشاً از رعایای مظلومه بلکه علو همت و سمو فطرت و بزرگواری عالم انسانی و کامرانی در این جهان و جهان بالای عدالت و راستی است و پاکی و آزادگی فخر انسان در این است که به‌مونه زهیده قناعت نماید و سبب سعادت فقرای رعیت شود و عدل و انصاف را مسلک خویش کند و همت و خدمت را منهج خود قرار دهد این شخص ولو محتاج باشد ولی هر گنج روان پی برد و عزت ابدیه حصول نماید. (*)

۵۷- هر یک که در دایره حکومت مستخدمند باید مأموریت را اسباب تقرب به درگاه کبریا نمایند و به عفت و استقامت پردازند و از رشوت و ارتکاب بکلی بیزار گردند و بمقرری قناعت کند و مدار افتخار را عقل و کفایت و درایت دانشد اگر نفسی برغیفی از نان قناعت کند و پاندازه خویش به

عدالت و انصاف پردازد سرور عالمیان است و مدوحترین آدمیان بزرگوار است ولو کیسه تهی سرور آزادگان است ولو جامه کهنه و عتیق عزت و افتخار انسان به فضائل و خصال حمیده است و شرف و منقبتش تقرب درگاه کبریا و الا اموال دنیا متاع غرور است و طالبان از اهل سرور و عنقریب مأیوس و مخفول این بهتر یا آنکه انسان در نهایت تنزیه و تقدیس رفتار نماید و در نهایت عفت و استقامت و صداقت شامر و آشکار گردد البته این از گنج روان بهتر و از ثروت امکان خوشتر .
(*)

۵۸- اگر چنانچه نفسی از احبّاء به منصبی رسد و مشمول نظر عنایت اعلیحضرت شهریارى گردد و به مأوریتی منصوب شود باید در امور موکوله خویش به کمال راستی و پاکی و صدق و عفت و استقامت بکوشد و اگر چنانچه ارتکابی کند و ارتشائی نماید موقوف درگاه کبریاست و مفضوب جمال اهی و حقّ و اهل حقّ از او بیزار بلکه باید به مؤنه و مواجب خویش قناعت نماید و راه صداقت پیوید و در ره ملک و ملت جانفشانی فرماید اینست روش و سلوک بهائیان و هرکس از این تجاوز کند عاقبت به خسران مبین افتد. (*)

۵۹- نفوسی که در دوائر حکومت مستخدم باید به نهایت استغنا و پاکی و آزادگی و عفت و عصمت حرکت و به مواجب خویش قناعت نمایند دامن پاک را به ارتکاب و ارتشاء نیالیند الیوم اگر يك نفس از احیاب معاذالله ارتکاب فلسی نماید ذیل مطهر امرالله آلوده گردد و از برای کل رسوائی باشد بلکه باید حکومت و ملت چنان اعتمادی حاصل نمایند که آرزوی آن کنند که جمیع امور در ولایات موقوف به دست پاک طیبّ یاران الهی باشد. (*)

۶۰- جمیع مأورین از سفیر و کبیر باید در نهایت عصمت و عفت و استقامت به چیره و مواجب جزئی خویش قناعت نمایند و دست و دامن را پاک دارند و به طهارت و عدالت تامه به کمال صداقت و همت به خدمت شهریار محترم خویش پردازند اگر نفسی به حکومت عادلّه خیانت کند به خدا خیانت کرده است و اگر خدمت کند به خدا خدمت کرده است . (*)

۶۱- در نهایت تنزیه و تقدیس ایفای خدمت کنند و اهداء خود را به رشوه و غرض و مرض میالیند به مواجب قناعت کنند و براستی و درستی و فضائل و خصال انسانی عزت طلبند زیرا عزت مالی سزاوار دوناست و شرف زخارف لائق بی خردان فخر و مباهات انسان به عدل و انصاف و اجتناب از اعتساف و خدمت به دولت و خیرخواهی ملت است و من بیبتهی وراه ذلك فهو فی خسران مبین . (*)

۶۲- چه قدر انسان باید که غافل و نادان باشد و پست فطرت و پست طبیعت که خویش را به اوساخ ارتکاب و ارتشاء و خیانت دولت بیالاید والله حشرات ارض از او ترجیح دارند . (*)

۶۲- اما اگر نفسی از احبای آلهی در خدمتی از خدمات دولت و ملت تعیین شود باید به جان و دل بکوشد و به نهایت صداقت و امانت و دیانت ایفای وظیفه خویش نماید .

(" اخلاق بهائی " ، ص ۴۹)

د - از آثار حضرت ولی‌امرالله و توقیعات صادره از طرف هیکل مبارک

۶۴- این ایام ایام ظفر و نصرت امر آلهی است و نصرت امرالله متوقف بر تبلیغ و تبلیغ مشروط به حسن اعمال و رفتار و کردار و اس روش و سلوک آلهی اخلاق حسنه و صفات طیبه مرضیه است باید بهائیان باین حلال مقدسه خود را بیارینند و به این سیف شاهر فتح مدائن قلوب کنند چه که ناس از بیان و گفتگو و تبشیر و مواعظ خسته و متنفر گشته‌اند آنچه الیوم جهان را از این عذاب استخلاص دهد و جهانیان را متجذب سازد اعمال است نه اقوال اخلاق است نه مواعظ شیم روحانیان است نه مکالمات و منشورات سیاسی اجتماعی دول و امم باید در جمیع احوال چه جزئیات چه کلیات القوال و افعال مطابق و مقارن و ممد و متهیر و مساعد یکدیگر گردد اینست امتیاز بهائیان از سایر اقوام و ملل که در ذکرشان از قلم اعلی نازل در قول فخر عالمند و در عمل نتنگ ام .

(از توقیع صادره از طرف هیکل مبارک خطاب به احبای بهیسی،

۸ دسامبر ۱۹۲۲)

۶۵- احبای باید به اموری مشغول گردند و متعهد و ملاحظه شوند که شمراتش به عموم ملت راجع گردد نه آنکه فقط مایه انتفاع بعضی از رؤسا و اشخاص معدود باشد ثانیاً یاران و اعضای محافل باید به اعمال و رفتار و سلوک در کل احوال و در تمام شئون و در جمیع معاملات مزیت و حقیقت و قوت و سمو این آئین مقدس را به ابناء وطن خویش بنمائید نه اشکه اکتفا به تبلیغ و بیان و تفسیر و تشریح کنند حضرت عبدالبهاء مبین حقیقی شریعت حضرت بهاءالله میفرماید (بهائیان باید نظر باین امر دقیق نمایند که مانند سایر ادیان به عربده و های و هو و لفظ بیمعنی کفایت ننمایند بلکه به جمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی و روش و رفتار نفوس ربانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بیمعنی و بهائی اینست که شب و روز بکوشند تا در مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و نهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظرگامش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و رفتارش سبب ترقیات نامتناهی گردد چون باین مواهب موفق شود نمیتوان گفت که بهائی است والا در این دور مبارک که فخر اعمار و قرون است ایمان عبارت از اقرار به وحدانیت الهیه نه بلکه قیام به جمیع شئون و کمالات ایمان است) ملاحظه فرمائید که این بیان چه قدر شدید و متین و مشکل‌الاجراست ولی تا بهائیان باین طراز کمابیشی و یلیق مزین نگردند چشم عالم چنانچه باید و شاید متوجه به آنان نشود و نام بهاءالله جهان افروز نگردد.

(خطاب به یکی از محافل روحانی محلی، ۳۰ اکتبر ۱۹۲۴)

۶۶- اصل بزبان انگلیسی

۶۷- یوم یوم اعمال و اخلاق است باید کل به این زیور ملکوتی در عالم امکان مزین گردیم تا خدمتی شایان به آستان رحمان نمائیم .

(بخط همکل مبارک در حاشیه توقیعی خطاب بیکی از افراد .
۲۴ نوامبر ۱۹۲۴)

۶۸- حفظ و بقای هر جمعیت و حزب و ملتی متفرع و مبتنی بر قدر و قیمت مبادی است که بموجب آن حرکات زندگانی خود را ترتیب و تسویق میدهند مبادی احبا صداقت است محبت است خیرخواهی است امانت است ترجیح منافع عمومی به مصالح شخصی است تقوی و عفت و پرهیزکاری است لهذا بالمآل سیانت و سعادت شان متضمن است هر بلائی هم که به اغراض مفرضین و بدخواهان متوجه آنها گردد چون موج درگذرد و فرج بعد از شدت رخ گشاید حافظ احبا قوه غلبه و الطاف خفیه الهیه است و البته هر نفس مبارکی که موافقت باین قوه غالبه نماید عملش جمیل و اجرش جزیل است و مرکس هم که مخالفت کند پرماست که درپاره او دعا کنیم نه جفا این سبیه اهل بهاست در گذشته و حال و استقبال .

(از طرف همکل مبارک خطاب بیکی از محافل روحانی مرکزی .
۱۸ نسامبر ۱۹۲۵)

۶۹- وظائف محافل روحانیه که در بلدان شرق به تیشیر دین الله مشغولند در الواح مقدسه مسرّح و مشیوت تحسین اخلاق است و تعمیم معارف ازاله جهل و نادانی و رفع تعصبات است و تحکیم اساس دین حقیقی در قلوب و نفوس اعتماد بر نفس است و اجتناب از تقلید حسن ترتیب و نظم در امور است و تمسک به لطافت و نطافت در جمیع احوال و شئون راستی و صداقت است و جرأت و سراحت و شجاعت ترویج صنعت و زراعت است و تشیید ارکان تعاون و تعاقد حریت و ترقی عالم نساء است و تعلیم اجباری اطفال از پیشین و بنات استحکام اصول مشورت در بین تمام طبقات است و دقت در حسن معاملات تأکید در امانت و دیانت است و صدق نیت و طیب طینت و نجات از قیود عالم طبیعت تقدیس و تنزیه از شرور و فساد قویه مستولیه بر بلاد غرب است و تمسک به اعتدال در جمیع شئون و اوقات تقنن و تدلیق در علوم و فنون عصریه است و حصر نظر در ترویج مصالح جمهور تعن و تفرس در الواح سماویه است و تطبیق نصوص الهیه به حالات و اوضاع و شئون حالیه هیئت اجتماعیه عدم مداخله در امور مشوشه احزاب است و عدم اعتنا و تعرض به مخاصمات سیاسیه و منازعات مذمبیه و مبادی سقیمه اجتماعیه حالیه است صداقت و اطاعت قلباً و لساناً با حکام مشروعه دولت و حکومت است و احتراز از سلك و افکار و آراه واهیه مقلدین و متجددین احترام و توقیر و تمجید و پیروی ارباب هنر و صنعت است و تکریم و تعزیز صاحبان علوم و معارف حریت وجدان

است و عدم تنفیذ و تعرض به عقاقد و رسوم و عادات افراد و اقوام و ملل این است از جمله احتیاجات ضروریّه امم شرقیه این است وظائف مبرمه محتومه اعلیّه امنای رحمن نمایندگان بهائیان اعضای محافل روحانیه .

(خطاب به محافل روحانی در شرق ، ۲۰ جانوری ۱۹۲۶)

۷۰- اهل بها در ظل هر دولت و حکومتی به صدق و صفا و امانت و تقوی رفتار نمایند به قلوب متوجهند و از تلوثات و حدودات ظاهره در گریز نه تشنه شهرتند و نه طالب ریاست نه اهل ریا و تملقند و نه در پی جاه و مکتب نه طالب مسند و مقاعد و نه امیر رتبه و نشان از تقاهر و خود نمایی متنفرند و از استعمال قوه جبریه مسمئ از ماسوی الله چشم پوشیده‌اند و به وعده‌های محکمه مولای خویش دل بسته حیل توقعات و تعلقات را گسته‌اند و به آن محبوب یکتا پیوسته از خود گذشته‌اند و به نفع عموم پرداخته متمسک و متشبث به مبادی سلیمه قیمه آله‌اند و از توهمات و افکار سقیمه مشوشه مسمومه نوهوسان مجتنب از وظائف سیاسی اجتناب و احتراز نمایند و وظائف اداری را به دل و جان قبول کنند زیرا مقصد اصلی اهل بها تقدم و پیشرفت مصالح ملت است نه ترویج مآرب و مقاصد افراد بی‌بک و پست‌فطرت این است طریقت بهائیان ایست ملک روحانیان و ما عداة ضلال مبین .

(خطاب به احبای شرق ، فوریه ۱۹۲۷)

۷۱- اصل بزبان انگلیسی

۷۲- قلم اعلی میفرماید " تقوی سردار اعظم است از برای نصرت امر آلهی و جتودیکه لایق این سردار است اخلاق و اعمال طیبه ظاهره مرضیه بوده و هست " پس اهل بها باید در نهایت تقدیس و تشزیه سلوک و رفتار نمایند و از تقلید مذمومه و مراسم و عادات غیر مستحسنة اهل غرب بکلی احتراز و اجتناب نمایند زهد و تقوی شأن مدعیان محبت و نفوس ابرار است و الا رفته‌رفته روشنائی فاضل عالم انسانی در مویت قلب خاموش و محو و زائل گردد و ظلمات قیاح و رذائل استیلا یابد و احاطه کند ادب و وقار سبب عزت و بزرگی انسان است و لهو و لعب و متاکی و بی‌باکی علت پستی و دنو و ذلت در جمیع شئون امتیاز لازم و واجب والا چه فرقی با دیگران هر عملی که از شأن و مقام انسان بکاهد باید از او اجتناب و دوری جست .

(از طرف هیکل مبارک خطاب به یکی از افراد .

۲۱ جانوری ۱۹۲۸)

۷۳ - ۷۴ - اصل بزبان انگلیسی

۷۵- و اما ابراز صداقت و امانت در خدمت دولت این شأن یاران و از فرائض حتمیهٔ دوستان است اگر چنانچه بعضی از رؤسای محترم قدر نداشتند و تقدیر نشمایند عجب نیست زیرا علت بُعد آنان از مشرب انصاف و حقانیت و عدالت است باید بحق ناظر شد نه به خلق هر عمل پاک و نیت خالص را حق جل جلاله ستایش فرموده و تمجید و تحسین نموده و اجر جزیل مقرر کرده.

(از طرف هیکل مبارک خطاب به یکی از افراد.
۸ مارچ ۱۹۴۸)

۷۶ - ۷۷- اصل پزیهان انگلیسی

۷۸- اینکه اشاره به احتیاج عاشقان جانباخته و صاحبان قوای خارق‌العادهٔ روحانی و نطق و بیان موثر و اقتدار ظاهری و مادی برای اثبات حقانیت امر نازنین لازم نموده بودید . فرمودند بنویس آنچه لازم است اعمال و اخلاق پسندیده و متابعت احکام منصوصه است اینست مغفطیس تاشید و مثبت حقانیت و امتیاز امر ربّ مجید . و دیگر فرمودند رفع نواقص امری است تدریجی نصیحت و تذکر مستمرّ لازم تا متدرجاً نواقص رفع گردد و امور جامعه مرتب و منظم شود .

(از طرف هیکل مبارک خطاب به یکی از افراد.
۱۲ جانوری ۱۹۴۶)

۷۹ - ۸۰- اصل پزیهان انگلیسی

کتاب شناسی

مشخّمات کامل کتبی که نموس مبارکه از آنها استخراج شده است

- حضرت بهاء‌الله
منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله (لانگنهاین : لجنه نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی . ۱۴۱ پ) . ۲۲۲ ص
- حضرت بهاء‌الله
مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده (لانگنهاین : لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی . ۱۲۷ پ) . ۱۷۵ ص
- حضرت بهاء‌الله
لوح مبارک خطاب به: شیخ محمد تقی مجتهد اصفهانی (لانگنهاین : لجنه نشر آثار امری بلسان فارسی و عربی . ۱۲۸ پ) . ۱۱۷ ص
- حضرت بهاء‌الله
اقتدارات (تاریخ کتابت ۱۲۱۰ ه ق) . ۲۲۹ ص
- حضرت بهاء‌الله
مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء‌الله (قاهره : محی الدین صبری کردی . ۱۹۲۰ م) . ۴۱۲ ص
- حضرت بهاء‌الله
ادعیه حضرت محبوب (قاهره : فرج‌الله ذکی الکردی . ۱۳۲۹ ه ق) . ۴۸۰ ص
- حضرت عبدالیهاء
منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالیهاء (ویلمت : لجنه نشر آثار امری . ۱۹۷۹ م) . ۳۰۲ ص
- حضرت ولی‌امرالله
مطهر عدل الهی (ویلمت : لجنه امور احیای ایرانش . ۱۹۸۵ م) . ترجمه نصرالله مودت . ۱۸۷ ص
- فاضل مازندرانی
اصرو خلق (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات امری . ۱۲۸ پ) . ج ۲ . ۵۱۶ ص
- محمد نیپیل زرنندی
مطالع الانوار (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات امری . ۱۳۴ پ) . ترجمه و تلخیص عبدالحمید اشراق خاوری . ۶۱۸ ص
- محمدعلی فیضی
اخلاق بهائشی (طهران : مؤسسه ملی مطبوعات امری . ۱۲۰ پ) . ۲۲۲ ص